

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوریکه امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

توطئه بزرگ

(5)

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش دوم

2- ساعت صفر

وضعیتی که دولت شوروی در آغاز بهار 1918 ، با آن روبرو بود از این قرار بود :
آلمان خود را برای سرنگونی دولت شوروی- در صورتی که شرایط صلح برست- لیتوفسک را قبول
نکند- آماده میساخت ؛ بریتانیا و فرانسه در خفا نیروهای ضد انقلابی را که در آرخانگل ،
مورمانسک و کرانه دن در حال تجمع بودند ، پشتیبانی میکردند ؛ ژاپنها با توافق متفقین ، طرح
تسخیر ولادی وستک و تعرض به سیبری را میریختند
در مصاحبه ای با لاکهارت ، لنین به وی گفت که دولت شوروی مجبور است از ترس حمله آلمان به
پتروگراد ، به مسکو متقل شود . بلشویکها اگر لازم باشد به جنگ خواهند رفت حتی اگر مجبور شوند
به ولگا و اورال عقب نشینی کنند . لیکن آنها با شرایط خودشان خواهند جنگید . بلشویکها آلت
دست متفقین نخواهند شد " . به گفته لنین چنانچه متفقین این امر را درک میکردند موقعیتی عالی
برای همکاری فراهم میشد ، چرا که روسیه برای مقاومت در برابر آلمان شدیداً محتاج به کمک
است. لنین همچنین با لحن خشکی اضافه کرد که :
" در عین حال من کاملاً متقاعدم که دولت شما هرگز مسائل را از این دید نخواهد نگریست . این
دولتی است مرتجع که با ارتجاعیون روسی به همکاری برخواید خاست " .
لاکهارت مضمون مصاحبه خود با لنین را به دفتر امور خارجی بریتانیا مخابره کرد . چند روز بعد
وی پیامی رمزی از لندن دریافت نمود . آن را با شتاب از رمز درآورده و به مطالعه پرداخت . پیام
حاوی نقطه نظریک " متخصص نظامی " بود به این شرح :
" آنچه در روسیه مورد نیاز است عبارت است از هسته های کوچک ولی محکم از افسران انگلیسی
برای سپردن رهبری به " روسهای وفادار " ی که بزودی به بلشویسم پایان خواهند بخشید . "
سفیر کبیر فرانسیس ، در 23 فوریه آن سال به پسر خود چنین نوشته بود :
" برنامه من آن است که تا آنجا که بتوانم در روسیه بمانم . چنانچه صلحی جداگانه منعقد شود ، که
فکر میکنم بشود ، خطری برای من از لحاظ دستگیری توسط آلمانها وجود نخواهد داشت . لکن چنین
صلحی ضربه ایست سخت برای متفقین و چنانچه ناحیه ای از سر زمین روسیه از قبول اتوریته
بلشویکی ، مبنی بر انعقاد صلح ، سرباز زند ، من تلاش خواهم کرد آن ناحیه را پیدا و به شورش در
آن پر و بال بخشم . "
فرانسیس پس از نگارش این نامه ، به نولنس سفیر کبیر فرانسه و سایر دبلماتهای متفقین در شهر
کوچک والوگدا ، بین مسکو و آرخانگل ملحق گردید . در آن هنگام کاملاً آشکار شده بود که دول
متفق از قبل تصمیم گرفته اند به هیچ عنوان با رژیم شوروی همکاری نکنند .
رابینز با ترتسکی درباره بحران به گفتگو نشست . ترتسکی به تازگی در مقابل عموم به " اشتباه "
خود در مخالفت با لنین در برست- لیتوفسک اعتراف کرده بود و سعی میکرد دوباره برای خود در
نزد لنین جایی باز کند .

وی از رابینز پرسید :

" آیا قصد دارید از تصویب قرارداد برست جلوگیری کنید ؟ "

رابینز : البته ! ولی لنین خواهان آنست و خودمانیم کمیسر ، این در واقع لنین است که معرکه را میگرداند !

ترتسکی : " اشتباه میکنید ، لنین تشخیص میدهد که خطر پیشروی آلمان آنچنان بزرگ است که چنانچه بتواند همکاری و حمایت متفقین را جلب کند ، صلح برست را رد ، در صورت لزوم از مسکو و پتروگراد به یکاترینبورگ عقب نشینی و جبهه ای در اورال برپا خواهد کرد و با حمایت متفقین بر علیه آلمان خواهد جنگید " .

بنا به درخواست فوری رابینز ، لنین موافقت کرد تا یاد داشتی رسمی برای دولت ایالات متحده تهیه کند . لنین امید چندانی برای دریافت جواب مطلوب نداشت معهدا برآن بود تا بهر صورت کوششی در این زمینه بعمل آورد .

یاد داشت مزبور سر موعد مقرر ، برای مخابره ، به رابینز تحویل داده شد . بخشی از این یاد داشت از این قرار بود :

" در صورتیکه (الف) کنگره روسی شوراها از تصویب قرارداد صلح با آلمان خود داری کند یا (ب) اگر دولت آلمان قرارداد صلح را زیر پا نهاده و تعرض خود را به منظور ادامه حملات راهزانه خود ادامه دهد

1- آیا دولت شوروی خواهد توانست بر حمایت ایالات متحده امریکا ، بریتانیای کبیر ، فرانسه برای مبارزه اش علیه آلمان تکیه کند ؟

2- چه نوع حمایتی میتواند تامین و تحت چه شرایطی ساز و برگ نظامی ، وسائل حمل و نقل و لزومات زندگی میتوانند در آینده نزدیک تحویل داده شوند ؟

3- چه نوع مساعدتی میتواند بویژه از طرف ایالات متحده تامین گردد ؟ "

کنگره روسی شوراها قرار بود روز 12 مارس تشکیل و درباره تصویب قرارداد صلح برست لیتوفسک به بحث بپردازد . اما بنا به خواهش رابینز لنین پذیرفت ، تشکیل کنگره را به 14 مارس به تاخیر بیندازد تا به این وسیله رابینز و لاکهارت دو روز وقت اضافه داشته باشند تا دول خود را باقدامی متقاعد سازند .

روز 5 مارس 1918 ، لاکهارت آخرین تلگرام تضرع آمیز خود را ، که در آن شناسایی دولت شوروی درخواست میشد به اداره امور خارجی بریتانیا مخابره نمود :

" اگر قرار باشد متفقین از زمان انقلاب تاکنون ، در یک مورد اقبال داشته باشند ، این مورد را آلمان با تحمیل شرایط صلح بسیار سنگین ، برایشان ایجاد کرده است چنانچه دولت علیا حضرت خواهان این نیست که آلمان را در روسیه دارای تفوق ببیند ، پیشنهاد حقیرانه دارم که این موقعیت را نادیده نگیرد . "

لاکهارت پاسخی از لندن دریافت نکرد ، تنها نامه ای از همسرش به وی رسید . در این نامه ، همسر لاکهارت پافشاری کرده بود که وی بایستی جانب احتیاط را شدیداً رعایت کند و به او اعلام خطر کرده بود که در اداره امور خارجی شایع شده که لاکهارت به " سرخ " ها پیوسته است روز 14 مارس ، کنگره روسی شوراها در مسکو افتتاح گردید . نمایندگان به مدت دو شبانه روز بر سر مسئله تصویب قرارداد صلح برست لیتوفسک به بحث نشستند . ترتسکی که سعی میکرد از طریق این قرارداد صلح نا مقبول برای خود سرمایه سیاسی کسب کند- با تمام قدرت به مخالفت با آن برخاسته بود . اما به قول رابینز شخصا " خود را در پتروگراد به کنار کشیده و از آمدن به کنگره خود داری میکرد " .

یکساعت به نیمه شب دومین شب کنگره ، لنین با اشاره ای رابینز را که روی پله ای در پانین سکوی خطابه نشسته بود ، نزد خود خواند :

" هیچ خبری از جانب دولتتان شنیدید ؟

- هیچ !

- لاکهارت چی ؟

- هیچ !

لنین شانہ ای بالا انداخت و گفت " حالا دیگر به بالای سکو میروم و درباره تصویب قرارداد صحبت خواهم کرد . قرارداد تصویب خواهد شد " .

سخترانی لنین مدت یکساعت بطول انجامید . در سخنانش نه تنها هیچگونه تلاشی برای جلوه بخشیدن به صلح ننمود بلکه آنرا حتی بعنوان مصیبتی برای روسیه معرفی نمود . وی با منطقی صبورانه ، لزوم یک " فضای تنفس " بھر قیمت را برای دولت شوروی که منفرد و از هر طرف مورد تهدید قرار گرفته بود ، خاطر نشان نمود .

قرارداد برست- لیتوفسک به تصویب رسید .

بیانیه صادره از طرف کنگره اعلام میکرد که :

" تحت شرایط کنونی ، دولت شوروی خلق روسیه که به امان خود رها شده ، از مقابله با یورش امپریالیسم آلمان عاجز بوده و ناچار است برای حفاظت از روسیه انقلابی ، بھر شرایطی که در مقابلش نهاده شده تن در دهد " .

3- پایان ماموریت

روز 2 مه 1918 ، سفیر کبیر فرانسویس تلگرامی به این متن به وزارت امور خارجه امریکا مخابره کرد :

" رابینز و نیز احتمالا لاکهارت به رسمیت شناختن دولت شوروی ذیعلاقه اند . اما شما و کلیه متفقین همواره با این شناسایی مخالف بوده اید و من مداوما از تجویز این سیاست دوری جسته ام و گمان نمیکنم در این امر اشتباه کرده باشم " .

چند هفته بعد رابینز تلگرامی از لنسینگ ، وزیر امور خارجه امریکا دریافت کرد به این شرح :

" تحت هرگونه شرایطی ، به نظر مطلوب میرسد که برای مشورت به وطن مراجعت کنید " .

مادامیکه رابینز عرض روسیه را با راه آهن برانس سیبری می پیمود تا در ولادی وستک به کشتی بنشیند ، سه پیام از وزارت امور خارجه دریافت کرد . هر سه پیام دارای محتوای یکسانی بودند: رابینز می بایستی از ایراد هرگونه سخنی در برابر جمع خود داری کند .

در واشنگتن ، رابینز گزارشی به لنسینگ ارائه نمود که در آن نظریه دخالت متفقین علیه روسیه شوروی شدیداً محکوم شده بود . وی برنامه کتبی موشکافانه ای را نیز راجع به توسعه روابط

بازرگانی بین روسیه و امریکا ضمیمه گزارش خود نمود . قبل از ترک مسکو ، لنین شخصا این

برنامه را به وی داده بود . این برنامه می بایستی بدست پرزیدنت ویلسون برسد .

برنامه لنین هرگز بدست ویلسون نرسید .

رابینز خود تلاش نمود با پرزیدنت ملاقات کند اما تلاشش بی ثمر ماند . حرکات وی در هر دور متوقف گردید . سعی کرد پیام خود را در روزنامه ها منعکس کند . مطبوعات یا سخن وی را نادیده

گرفتند و یا آنها را تحریف نمودند وی سرانجام مجبور گردید از خود در مقابل کمیته مجلس سنا که " بلشویزم " و " تبلیغات آلمان " را بررسی میکرد ، دفاع نماید .

رابینز اظهار داشت :

" من یک بلشویست هستم چرا که حقیقت را گفتم و دروغ نگفتم و به مردم دشنام ندادم ، چرا که نگفتم آنها عمال آلمان هستند ، دزد و آدمکش و خیانتکارند ! اما من بهترین دید و نظرگاه را در

قیاس با هر نماینده دیگر متفقین در روسیه داشتم و سعی داشتم از مسیر واقعیات خارج نشوم . من دوست دارم که حقیقت را راجع به افراد و جنبشها بیان کنم ، بدون هیچگونه احساس و پیشداوری

حتی اگر با آنها اختلاف نظر داشته باشم من کاملاً برآنم که مردم روسیه باید آن نوع حکومتی را داشته باشند که خواهان آنند حال خواه این دولت مطلوب شخص من باشد و با اصول عقیدتی من

تطابق داشته باشد و خواه نه به نظر من اطلاع از آنچه در روسیه رخ داده است دارای اهمیت

درجه اول است . برخورد به این مسئله بر اساس درستی و انصاف و نه بر اساس احساسات و بیانیه های غیر حقیقی ، برای ما و کشور ما ضروری است من هرگز توقع آنرا ندارم که عقاید از

طریق سرنیزه محو شود ... تنها پاسخ به خواست زندگی بهتر برای انسان ، زندگی بهتر برای اوست."

تا قبل از تابستان 1918 ، اگر چه ایالات متحده با آلمان ، و نه با روسیه ، در جنگ بود ، معهذاً روزنامه نیویورک تایمز بلشویکها را به عنوان " مودی ترین دشمنان ما " و " جانوران درنده " توصیف می نمود . در کلیه مطبوعات امریکا ، رهبران شوروی بعنوان " عمال جیره خوار آلمان " مورد دشنام قرار میگرفتند . " قصاب ها " ، " آدمکشان " و " دیوانه ها " ، " جنایتکاران خون آشام " و " طفیلی های بشریت " عناوینی بودند که روزنامه های امریکایی توسط آنها از لنین و همکارانش یاد می کردند . در کنگره امریکا ، لنین و یارانش " آن جانوران لعنتی " نامیده می شدند

سفیر کبیر فرانسیس تا ژوئیه 1918 در روسیه باقی ماند ، وی به تناوب اعلامیه ها و بیانیه ها در دعوت مردم روسیه به سرنگونی دولت شوروی صادر میگردد . قبل از آنکه فرانسیس به ایالات متحده عزیمت کند تلگرامی از چیچرین کمیسر جدید امور خارجی شوروی دریافت کرد که حاوی درود هایی برای خلق امریکا بود .

فرانسیس بعد ها در کتاب خود " روسیه از دید سفارت امریکا " عنوان نمود که " این تلگرام مسلماً برای تغذیه صلح طلبان امریکایی تهیه شده بود " و فاش نمود که ، " از ترس آنکه این نامه از طریق وزارت امور خارجه بدست مردم امریکا بیفتد ، از مخابره آن قصور نمودم " .
بروس لاکهارت در روسیه باقی ماند . ولی چندی بعد اظهار داشت " می بایستی استعفا داده و به وطن برمی گشتم " . اما با وجود آن وی در سمت خود بعنوان " مامور انگیزی " باقی ماند .
لاکهارت بعد ها در " مامور انگیزی " اعتراف کرد که " تقریباً قبل از آنکه خود تشخیص بدهم خود را با جنبشی هم هویت یافته ام که میرفت نه بر علیه آلمان بلکه بر علیه دولت واقعی روسیه جهت یابد ، حال هر چه می خواست هدف ابتدایی آن باشد . "

* * * * *

منابع بخش دوم

یک بررسی جالب و عالمانه درباره صلح تناقض آلود برست- لیتوفسک که حاوی مطالب جالبی درباره فعالیت های ترتسکی و اپوزیسیون چپ در آن زمان است کتاب جان ویلر بنت به نام " مارس 1918 ، برست- لیتوفسک ، صلح فراموش شده ، چاپ مورو ، نیویورک 1939 ، می باشد . بروس لاکهارت نظرات خود را در مورد ماموریت و تجربیاتش در روسیه در خلال انقلاب در کتاب " مامور انگیزی " ، چاپ گاردن سیتی پوب . گو ، نیویورک ، 1933 برشته تحریر درآورده است .

مطالب دست اول اضافی در این مورد میتواند در کتاب " جمهوری سوسیالیستی روسیه نوشته سروان جان سدول ، چاپ سیسن دوگومنتز ، که در آن سعی شده وانمود شود که گویا انقلاب توسط فرماندهی عالی آلمان و بعضی بانک های آلمانی طرح ریزی شده است ، اولین بار در امریکا تحت عنوان " توطئه آلمانی- بلشویکی ، چاپ کمیته اطلاعات عمومی امریکا ، واشنگتن ، چاپخانه دولتی ، 1918 " انتشار یافت .

تفسیر لف ترتسکی ، از مذاکرات برست- لیتوفسک و توجیه سفسطه گرانه او در مورد حرکاتش در جریان انقلاب میتواند از کتاب خود او به نام " تاریخ انقلاب روسیه ، ترجمه ماکس ایستمن ، چاپ سیمون & شاستر ، نیویورک ، 1932 " برداشت شود .

.....
جمبندی از این بخش :

خود متن به روشنی کامل گویای حقانیت انقلاب اکتبر و صلح آمیزترین برخورد حکومت شوراها با دیگر دول دنیا بود . گرچه همواره از طرف دول امپریالیستی و بویژه امپریالیسم امریکا انقلاب اکتبر بمثابه انقلاب " آدمکشان " به مردم امریکا و مردم جهان معرفی می گردید و می گردد و دائماً از

طرف آنان توسط عواملشان بطرق مختلف جهت سرنگونی حکومت شوراهای طرح های براندازی
بمورد اجرا گذاشته می شد .

و اما نکته بسیار مهمی که در این بخش حائز اهمیت می باشد ، اینکه : دولت های سرمایه داری
همواره تابعی از فرامین انحصارات امپریالیستی هستند و به هیچ عنوان گوششان حتی به نظرات
عواملشان که بصورت ماموران ویژه آنان در کشورهای " مزاحم " بسر می برند بدهکار نیست و
فقط آن سخنی (گزارشی) مطلوب آنان می باشد که در راستای منافع انحصارات امپریالیستی قرار
دارد . در غیر این صورت با عناوین مختلف مامور خاصی را سرجایش خواهند نشاند .

بهمن ادیب 2006/03/07